

جامعیت معرفتی قرآن به دیده نیازمندی‌های بشر^۱

مجید حیدری فر^۲

سید محمود حسینی‌واشان^۳

○ چکیده

هدف سر در تفهیر قرآن کریم بر اساس پاره‌ای زیر ساخت‌ها و باورهای فکری به تفهیر قرآن می‌پردازد و این مسئله بر اساس تمامی تعریف‌هایی که از تفهیر بیان می‌شود، اجتناب‌ناپذیر است. یکی از مبانی علمی و معرفت‌شناختی قرآن کریم، جامعیت معرفتی قرآن به دیده نیازمندی‌های بشر است. هرچند ممکن است این مسئله مورد بررسی قرار گرفته باشد؛ ولی ما سعی داریم این مسئله را به صورت روشمند و با بررسی چستی، چندگونگی (اقسام)، چرایی (ادله عقلی و نقلی) و چگونگی (اثرگذاری در تفسیر) بیان کنیم که مهم‌ترین نتیجه آن کشف این قواعد است: ۱. لزوم کشف و استخراج نیازهای هدایتی انسان از قرآن؛ ۲. لزوم کشف و استخراج روش‌های تأمین نیازمندی‌های بشر؛ ۳. لزوم کشف و استخراج پیام‌ها و پندهای هدایت آموز قرآن که نیازهای انسان را تأمین می‌کند. اگر پذیرفتیم که قرآن تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر را تأمین کرده است باید پیام‌های و پندهای هدایتی قرآن را کشف کنیم و آن‌ها را در زندگی بکار ببندیم که هدف اصلی نیز همین کار است پیام‌ها و پندهای قرآن است ۴. لزوم کشف و استخراج پیام‌ها و پندهای هدایت آموز تک‌تک آیات قرآن؛ ۵. لزوم تمسک به مفسرین حقیقی قرآن. پذیرفتن و بکار بستن این مبنا در زندگی فردی و جامعه بشری گامی نو در راستای تحول جامعه بشری و علوم انسانی ایجاد خواهد کرد که می‌تواند همه جامعه بشری را تحت تأثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: جامعیت معرفتی، نیازمندی‌های بشر، مبناهای علمی، معرفت‌شناختی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۸

۲. دانشیار دانشگاه معارف اسلامی: dr.mheidarifar313@maaref.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی (مستول): mhhosseiniv@gmail.com

○ مقدمه

برای روشن شدن محل بحث لازم است چند اصطلاح را بررسی کنیم:

■ ۱- چپستی تفسیر

تفسیر، دستیابی به مراد الهی از آیات قرآن مجید است. به عبارت دیگر تفسیر هرگونه روشنگری از طرف موکلان به تفسیر است. اعم از این که مصداقی باشد یا مفهومی؛ ظاهری باشد یا باطنی». (حیدری فر، ۱۳۹۱، ص ۳۴-۳۷)

در تفسیر سه نگاه وجود دارد: ۱. نگاه دانشی؛ ۲. نگاه روشی؛ ۳. نگاه نوری. دیدگاه برگزیده در تعریف، تفسیر نگاه نوری است؛ به این معنا که مفسر قرآن، در مرتبه اول فقط خدای تعالی است (قیامت: ۱۹؛ فرقان: ۴) و سپس بر اساس اجازه‌ای که خداوند داده است، رسول گرامی اسلام مفسر قرآن است (ابراهیم: ۴؛ نحل: ۴۴) و سپس بر اساس روایت متواتر ثقلین، اهل بیت عصمت و طهارت^۷ مفسر این کتاب شریف هستند (نسائی، ۱۴۳۲، ج ۵، ص ۴۵؛ صدوق، ۱۳۹۵، ص ۲۳۶)؛ بنابراین برای دستیابی به مراد الهی باید به خود قرآن کریم و کلمات رسول الله^۷ و اهل بیت^۷ مراجعه نمود و بر اساس روش‌ها و آموزه‌های آنان به تفسیر پرداخت. این طریق، علاوه بر استدلال آشکار — به این بیان که متکلم از همه افراد دیگر در بیان مقصود خود سزاوارتر است — از روایت نیز همین مطلب به دست می‌آید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۹۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۱۴۴).

■ ۲- چپستی مبانی تفسیر

در لغت، مبانی جمع مبناء؛ اسم معنا، مشتق و اسم مکان است و به معنای پایه، اساس و ریشه است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۴). در اصطلاح تفسیر سه تعریف وجود دارد:

۱. پیش فرض‌های مفسر: (هادوی تهرانی، ۱۳۷۰، ص ۳۱) این تعریف مشکل دارد، چون فرض گزاره‌ی ثابت نشده است. درحالی که مبانی، آن معارفی است که بر نوع تفسیر اثر می‌گذارد.

۲. پیش باورهای مفسر: پیش باورها یعنی اعتقادات مذهبی مفسر؛ (همان) این تعبیر نسبت به پیش فرض‌ها بهتر است، اما پیش باورها با حوزه گرایش بیشتر سنخیت دارد.

۳. تعریف برگزیده: مبانی آن دسته زیر ساخت‌ها و پایه‌های فکری و دانشی مفسر در شناخت قرآن و پیام‌های آن است. به تعبیر دیگر هست و نیست‌هایی است که در اندیشه مفسر شکل می‌گیرد؛ مانند حجیت ظواهر که قبلاً با ادله‌ی عقلی و نقلی و عقلائی ثابت شده است.

■ ۳- چپستی قواعد تفسیر و رابطه آن با مبانی

در لغت، قواعد جمع قاعده؛ اسم فاعل است و معنای لغوی آن نشیننده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۰۹؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۹۴). در اصطلاح تفسیر، قواعد آن دسته رو ساخت‌ها، باید و نبایدهای اجرائی است که مفسر باید در هنگام کشف مراد الهی رعایت کند. پشتوانه باید‌ها و نبایدها مبانی هستند، یعنی قواعد را از مبانی استخراج می‌کنیم (مبنا با قاعده نقش پایه و ستون را دارد).

■ ۴. چندگونگی مبانی

مبانی از نظر چندگونگی شش قسم دارد که شامل:

۱. مبانی صدور (هستی‌شناختی): قرآن به عنوان یک پدیده و مخلوق، چه ویژگی‌هایی دارد.

۲. معرفت‌شناختی (علمی):

۳. مبانی زبان‌شناختی (دلالتی):

۴. مبانی روش‌شناختی (ابزار): قرآن در بیان معارف خودش از چه روش‌هایی استفاده می‌کند.

۵. گفتمان‌شناختی (بیانی): الگویی که قرآن برای ارائه محتوای خودش دارد با دیگر کتاب‌ها متفاوت است.

۶. زیبایی‌شناختی (هنری):

یکی از مبانی علمی و معرفت‌شناختی قرآن کریم، جامعیت معرفتی قرآن به دیده نیازمندی‌های بشر است که در این مقاله آن را بررسی می‌کنیم.

اگر بخواهیم روشمند بحث کنیم باید موارد زیر را بررسی کنیم: ۱. چیستی؛ ۲. چندگونگی (انواع و اقسام آن)؛ ۳. چرایی (ادله عقلی و نقلی و عقلایی) مثلاً وقتی ما می‌گوییم قرآن حکیم است باید برایش دلیل اقامه کنیم. ۴. چگونگی؛ یعنی این مبانی را که ما پذیرفتیم، چه تأثیری در تفسیر قرآن دارد و چه قواعد و اثری را تولید می‌کند.

○ ۱- چیستی

■ ۱-۱- معنی لغوی

جامعیت در لغت به معنی فراگیری، وضع یا کیفیت جامع بودن (صدری افشار، ۱۳۱۱، ج ۱، ص ۹۳) و در برخی دیگر از منابع به معنی شمول و فراگیری آمده است (سیاح، ۱۳۷۵، ذیل واژه جمع) و لفظ «جامع» نیز به معنای «گردآورنده» و «فراگیرنده» است و مسجد جامع را به دلیل اینکه اهل و افراد خودش را گرد هم می‌آورد، متصف به صفت «جامع» می‌نمایند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۰). پس لفظ «جامعیت» به طور کلی به معنای «گردآورندگی» و «فراگیرندگی» است که البته با توجه به محل و مورد استعمال و کلمه‌ای که این لفظ با آن به کار رفته است، متعلق این کلمه متفاوت خواهد بود. این کلمه در قرآن به کار نرفته است.

■ ۱-۲- معنی اصطلاحی

در معنی اصطلاحی جامعیت قرآن به دیده نیازمندی‌های بشر، سه قول اصلی وجود دارد:

● الف) دیدگاه حداکثری

برخی معتقدند همه علوم در قرآن وجود دارد و قرآن با توجه به ظواهر و بطونشان شامل همه مسائل جزئی، کلی و حتی بسیاری از موضوعات علوم تجربی مانند شیمی، فیزیک و... می‌شود که می‌توان با دقت در آیات، با روش‌های خاص و با کمک علوم، آن‌ها را از آیات استخراج کرد. (غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۹؛ ابن ابی‌الفضل المرسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۸؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۷۱؛ طنطاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۴؛ ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۷)

فیض کاشانی، در این رابطه می‌گوید:

جامعیت معرفتی قرآن به دیده نیازمندی‌های بشر ■ ۴

«علوم انسانی دو قسم هستند: نخست، علوم مستفاد از حس و تجربه که متغیر و متناهی هستند. دوم، علومی که از مبادی، اسباب و غایات، به نحو علوم کلی و بسیط و بر وجه عقلی و غیر متغیر به دست می‌آیند. علم حق تعالی، ملائکه، پیامبران و اوصیای الهی به اشیاء و موجودات از این سنخ است ... هر کس کیفیت این علم را بداند معنای آیه «تبیاناً لكل شیء» را می‌فهمد و متوجه می‌شود که همه علوم و معانی در هر امری خودش یا مقومات، اسباب، مبادی و غایات آن در قرآن وجود دارد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۷).

ابن کثیر نیز می‌گوید:

«هر چه مردم در کارهای دنیایی و دین و معیشت و عالم رستاخیز نیازمندند، در قرآن بیان شده است» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۵۰۳).

• (ب) دیدگاه حداقلی

افرادی که گستره محتوای قرآن را حداقلی می‌دانند، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. عده‌ای محتوای قرآن را فقط شامل امور دینی مانند عقاید، احکام و بیان ارزش‌های آخرتی می‌دانند و معتقدند طرح مسائل علمی با قدسی بودن دین سازگار نیست. شاطبی (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۵). محمد عزة دروزه در تفسیر الحديث (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۹۱) در شمار این گروه جای دارند. بی‌تردید این دیدگاه نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا طرح مسائل علمی در راستای هدایت و تربیت نفوس، ضرورت دارد و به قدسی بودن زیان نمی‌رساند. افزون بر این، مسائلی چون سنت رسول الله و سیره ائمه و اجتهاد از پایه‌های جامعیت قرآن به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، همه این‌ها از متن قرآن کریم الهام گرفته‌اند.

۲. عده‌ی دیگری معتقدند دین فی‌الجمله در عرصه‌های گوناگون زندگی دخالت دارد ولی اولاً حداقلی و ثانیاً بالعرض است. (سروش، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰)

• (ج) دیدگاه اعتدالی یا تفصیلی

در این قسم نیز چند نظریه هست: برخی معتقدند قرآن کریم ضمن بیان کلیات و اصول و قواعد ارزشی و نگرشی، برخی از روش‌های سرنوشت ساز و مؤثر در هدایت را نیز تبیین می‌کند. طرفداران این نظریه معتقدند که قرآن اصول و ارزش‌هایی را مطرح کرده است که می‌توان بر اساس آن یک نظام حقوقی و سیاسی و اجتماعی و پیام‌های ارزشی مبتنی بر یک مکتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را استخراج کرد؛ بنابراین، قرآن از زاویه‌ای خاص بیانگر همه چیز است. جامعیت و شمول قرآن در گستره دیدگاه‌های علمی چنان است که در خصوص تک گزاره‌های آن سخنی ندارد و اثباتاً یا نفیاً موضع‌گیری نمی‌کند.

برخی از مفسران مانند علامه طباطبایی، رشید رضا (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۹۴—۳۹۵)؛ ابن عاشور، در التحریر و التنویر (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۲۵۳)؛ ابوالسعود (ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۳، ص ۱۳۱)؛ مراغی (مراغی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۲۷)؛ سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۶۰) و ... جامعیت قرآن را در قلمرو هدایت و تربیت تفسیر کرده‌اند (چه دنیوی و چه اخروی). علامه در این رابطه می‌نویسند:

«آنچه ملاک است و کوتاهی را از جانب قرآن منتفی می‌سازد، این است که قرآن تمام مطالب لازم در حوزه هدایت و سعادت را همراه

دارد و در این زمینه از هیچ کوششی فروگذار نکرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ذیل آیه ۳۷ انعام).

کلامشان به صراحت اشاره به تأمین تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر دارد؛ یعنی قرآن شامل تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر

است.

گروهی از پژوهشگران مانند استاد حسن‌زاده آملی جامعیت را بر اساس فهم زبان قرآن و ذوبطون بودن آن معنا کرده‌اند. او می‌نویسد: «کلمه مبارکه «کل شی» چیزی را فروگذار نکرده است. پس چیزی نیست که قرآن تبیان آن نباشد. ولی قرآن در دست انسان زبان‌فهم، تبیان کلی شی و زبان کلمات الله بی‌انتهاست. این انسان زبان‌فهم راسخ در علم است» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳، ص ۹).

با بررسی دقیق روایات، آیات و دیدگاه مفسران به این نتیجه می‌توان رسید: از دلالت الفاظ و ظواهر قرآن به‌طور مستقیم فقط نیازهای هدایتی و برخی کلیات علوم برداشت می‌شود؛ اما به‌وسیله دلالت‌های اشاره، ایما، التزامی، بطون، جری و تطبیق و سایر روش‌های صحیح تفسیری، می‌توان جزئیات بیشتری از علوم انسانی را به دست آورد. ولی همه جزئیات علوم، چنانکه در برخی روایات آمده، مختص مفسران حقیقی قرآن یعنی ائمه معصومین^۷ است. به‌عنوان نمونه در روایتی از امام صادق^۸ آمده است:

«من کتاب خدا را می‌شناسم. آغاز آفرینش و برنامه کائنات در کتاب خدا است. اخبار آسمان، اخبار بهشت و دوزخ، آینده زندگی و گذشته گیتی در کتاب خدا است. من همه این مسائل را می‌دانم، گویا که در کف دست خود می‌نگرم. آری خداوند تبارک و تعالی می‌گوید: کتاب من بیانگر همه پدیده‌ها است»^۹ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۱).

○ ۲- چندگونگی

در مورد گونه شناسی می‌توان از چند منظر نگاه و از هر منظر تقسیم خاص خودش را کرد:

■ ۲-۱- نیازهای نظری و عملی

از یک منظر می‌توان نیازهای انسان را به دو قسم تقسیم کرد: نیازهایی که مربوط به حوزه فکر و اندیشه می‌شود (نظری) و نیازهایی که مربوط به حوزه رفتار و کردار می‌شود (عملی). قرآن در هر دو حوزه برای بشر نیازهایی را ذکر کرده است و راهکار تأمین آن را نیز یادآور شده است.

■ ۲-۲- نیازهای مادی و معنوی

با توجه به دویعدی بودن انسان، یک دسته نیازهای مادی و دنیوی برای زندگی مادی در دنیا دارد و یک دسته نیازهای معنوی برای بعد روحی و معنوی و اخروی دارد.

■ ۲-۳- نیازهای فردی و اجتماعی

از منظری دیگر، انسان یک زندگی اجتماعی دارد و برای این زندگی اجتماعی نیازهایی دارد که بتواند رابطه‌های خود با دیگران را تنظیم کند و یک زندگی فردی دارد که این نوع زندگی نیز نیازهای خاصی دارد که باید به آن توجه شود.

■ ۲-۴- نیازهای علوم حسی و فراحسی

برخی علوم حسی و تجربی است مثل فیزیک و زیست و... که با تجربه و حس قابل‌درک و آزمایش است، برخی علوم فراحسی است مثل وحی و الهام، کشف و شهود و... که قابلیت سنجش با علوم تجربی و حسی را ندارد بلکه فراتر از علوم حسی است. این‌ها نیز نیازهایی دارد که باید به آن‌ها توجه و آن‌ها را تأمین کند.

۴. «وَ أَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَ فِيهِ بَدَأُ الْخَلْقَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ فِيهِ خَيْرُ السَّمَاءِ وَ خَيْرُ الْأَرْضِ وَ خَيْرُ الْجَنَّةِ وَ خَيْرُ النَّارِ وَ خَيْرُ مَا كَانَ وَ خَيْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظُرُ إِلَى كَفَى إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ»

○ ۳- چرایی

اینکه چرا قرآن مشتمل بر تأمین نیازمندی‌های بشر است؟ می‌توان به ادله اربعه استدلال کرد:

■ ۳-۱. دلیل عقلی

● الف) برهان خاتمیت

قرآن کتاب پایانی است (آخرین کتاب آسمانی است) و هر کتابی که خاتم باشد، باید نیازهای هدایتی مردم را تأمین کند؛ پس قرآن تمام نیازمندی‌های انسان‌ها را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، با توجه به روایات و آیات فراوان قرآن و ادله عقلی ثابت شده که پیامبر اسلام^۷، پیامبر خاتم است و کتاب او یعنی قرآن نیز کتاب خاتم است. به عنوان نمونه قرآن می‌فرماید:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (احزاب: ۴۰) (محمد^۷

پدر هیچ‌یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه

است!)

روایات فراوانی نیز بر این مسئله دلالت دارد مثل حدیث منزلت و... که به یک نمونه اشاره می‌کنیم که رسول گرامی اسلام^۷ فرمودند: «ایها الناس انه لا نبی بعدی ولا سنه بعد سنتی...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۵۵۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۵۳۱؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۱). (ای مردم همانا رسولی بعد از من نیست و سنتی بعد از سنت من نیست).

حال که ثابت شد پیامبر، خاتم‌النبیین است و کتابش نیز کتاب خاتم است باید این کتاب نیازمندی‌های بشر را تأمین کند و الا نقض غرض است؛ زیرا از خداوند واجب‌الوجود محال است که بشر را برای رسیدن به سعادت خلق کند ولی نیازمندی‌های هدایتی او را برای رسیدن به آن تأمین نکند. در نتیجه قرآن باید تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر را تأمین کند.

● ب- هدف ارسال پیامبر و نزول قرآن

یکی از اموری که می‌تواند کمک به حل مسئله نماید هدف ارسال پیامبر^۷ و نزول قرآن است. پیامبر^۷ رسالت خود را هدایت بشر و دعوت به توحید و ارتقای مکارم اخلاقی از راه‌های بیان احکام و فضایل و راهکارها و شرایط عملی آن بیان فرمود، نه کشف مجهولات علمی مربوط به طبیعت یا دیگر علوم تجربی. از طرفی با توجه به آیاتی که در ادله قرآنی بیان خواهد شد، قرآن نیز برای رسیدن به همین هدف نازل شده است. پیدا است که چنین کتابی نیز در راستای همان اهداف پی‌ریزی خواهد شد و محتوای آن برای محقق کردن همان رسالت خواهد بود. بنابراین با توجه به هدف ارسال پیامبر و نزول قرآن، باید تمام نیازهای تربیتی و هدایتی بشر در قرآن بیان شود.

■ ۳-۲. ادله قرآنی

ادله قرآنی را به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

یک: آیاتی که در آن واژه تبیان و تفصیل آمده است و قرآن را تبیان هر شیء بیان می‌کند مانند آیه ۸۹ سوره نحل که می‌فرماید:

«نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر

همه‌چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

در هر صورت آیه دلالت بر مدعای ما می‌کند ولی اگر «و هُدًی» را تو ضیح و تفصیل برای جمله «كُلُّ شَيْءٍ» بدانیم آنگاه معنی این می‌شود که هر چیزی که مایه هدایت است را بیان کرده‌ایم. بنابراین فقط جامعیت هدایتی بشر را شامل می‌شود. دو: آیاتی که می‌فرماید ما هر چیزی را در قرآن آورده‌ایم مثل «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» (انعام: ۳۸) (ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به‌سوی پروردگارشان محشور می‌گردند). همچنین آیه ۵۹ انعام نیز بر این مطلب دلالت دارد. اگر مراد از (الْكِتَابِ) قرآن باشد، این آیه به‌طور عام دلالت بر این دارد که همه نیازهای انسان باید در قرآن باشد زیرا می‌فرماید ما هیچ چیز را فروگذار نکرده‌ایم و نیازهای انسان نیز جزئی از این امور است که حتماً باید بیان شود.

سه: آیاتی که اسلام را دین جهانی معرفی می‌کند؛ مانند آیه ۱۰۷ سوره انبیاء که می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ». دستورهای آیین جهانی باید چنان باشد که نیازهای عرصه‌های مختلف زندگی بشر را تأمین کند. از این رو، جهانی‌بودن قرآن مستلزم جامع بودن آن است.

چهار: آیاتی که فرمان‌های قرآن را جاودانه معرفی می‌کند؛ مانند آیه ۱ سوره فرقان که می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛ زوال‌ناپذیر و پربركت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد» بی‌تردید چیزی که تا ابد استمرار دارد، باید به تمام نیازهای انسان در زندگی فردی و اجتماعی، برای تحقق هدایت و سعادت، پاسخ دهد.

پنج: آیاتی که هدف نزول قرآن را بیان می‌کند؛ مانند آیه ۸ سوره اسراء: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ و ما از قرآن نازل کردیم آنچه را که برای مؤمنان شفا و رحمت است».

بدون شک، انتخاب این دو صفت برای قرآن و پرهیز از ذکر او صاف دیگر از قبیل افزایش علوم حسی و طبیعی برای بشر و امثال آن، بیانگر این نکته است که قرآن، مسائل مرتبط با شفا و رحمت را بیان خواهد کرد و نه چیزهای دیگر را. آیه اول سوره ابراهیم نیز به همین مطلب اشاره دارد: «الر. کتاب أنزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور»؛ ما قرآن را بر تو (پیامبر) نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به‌سوی نور بیرون ببری». در این آیه، خداوند هدف نزول قرآن را سوق دادن مردم از ظلمات به‌سوی نور را معرفی می‌کند. چنان‌که در آیه ۱۸۵ سوره بقره، هدایتگری مردم را و در آیه ۱۵۷ سوره اعراف و آیه ۸ سوره تغابن نور بودن قرآن را از ویژگی‌های آن مطرح می‌کند.

آیاتی که بیان شد در مجموع هدف نزول قرآن را تأمین نیازمندی‌های هدایتی بشر، بیان می‌کند، نه بیان تمام علوم. بنابراین در جمع‌بندی این پنج دسته از آیات، می‌توان گفت قرآن تمامی نیازمندی‌های هدایتی بشر را بیان کرده است.

■ ۳-۳-۳. ادله روایی

روایات این بحث به سه دسته تقسیم می‌شوند:

یک: احادیثی که قرآن را تبیان کل شیء دانسته‌اند: امام صادق T می‌فرماید: «من از رسول خدا متولد شده‌ام. من کتاب خدا را می‌دانم. در آن است ابتدای خلق و آفرینش موجودات و کیفیت آن و آنچه خواهد بود تا روز قیامت. در آن است خبر آسمان و زمین و خبر بهشت و دوزخ و خبر آنچه خواهد بود. من همه این را می‌دانم؛ چنانچه به‌سوی کف دست خود

نظر می‌کنم. به‌دستی که خدا می‌فرماید در آن است بیان هر چیزی».^۵ (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۴۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۶۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۴۱۵) و امام رضا T می‌فرماید: «خداوند پیامبرش را قبض روح نفرمود، مگر آن‌که دینش را کامل ساخت؛ و قرآن را بر او نازل فرمود که در آن تفصیل هر چیزی وجود دارد» (سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۹).

این دسته از روایات مؤید آیات دسته اول است که در بخش قبل بیان شد.

دو: روایاتی که قرآن را منبع و محل مراجعه معرفتی می‌کند: امام باقر T می‌فرماید: بی‌تردید خداوند متعال چیزی که امت نیاز دارد، رها نساخته، در کتاب خود فرو فرستاده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۹). امام صادق T می‌فرماید: هر چه که دو تن در آن اختلاف دارند، ریشه‌اش در کتاب خدا موجود است اما عقل مردم به آن نمی‌رسد (همان؛ فیض کا شانی، ج ۳، ص ۱۵۱). و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «خداوند متعال هر چیزی را در قرآن بیان کرده است. به خدا سوگند، قرآن همه نیازمندی‌های مردم را آورده تا کسی نگوید کاش این موضوع در قرآن بود (همان؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۶۵؛ قمی مشهدی، ج ۷، ص ۲۵۷).^۶

سه: روایاتی که پیرامون توصیف قرآن آمده است: امام علی T در توصیف قرآن می‌فرماید: آگاه باشید، دانستنی‌های گذشته و آینده تا روز قیامت در قرآن آمده است... (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۸).

■ ۳-۴. دلیل عقلایی

عقلای اسلام معتقد بودند که تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر، در قرآن است (سیره عقلا)؛ یعنی عقلای اسلام از صدر اسلام تا الآن نوعاً ادعا نکرده‌اند که همه علوم بالفعل در قرآن وجود دارد؛ بلکه برداشت عمومی این بوده که قرآن نیازهای هدایتی و تربیتی را بیان کرده است.

○ ۴- چگونگی اثرگذاری در کشف مراد الهی

مهم‌ترین مسئله‌ای که نیاز به بررسی است و درواقع هدف اصلی بیان این مبنا است، چگونگی اثرگذاری در تفسیر است؛ به عبارت دیگر مفسر باید بداند اگر قرآن نیازمندی‌های هدایتی بشر را تأمین می‌کند، چه نتیجه و اثری در تفسیر و کاربست زندگی فردی و اجتماعی دارد؛ بنابراین برخی از اثراتی که اثبات این مبنا در تفسیر و کاربست آن دارد بدین قرار است:

■ ۴-۱. لزوم کشف و استخراج نیازهای هدایتی انسان از قرآن

مهم‌ترین قاعده‌ای که از این مبنا به دست می‌آید، این است که قرآن نیازهایی برای هدایت انسان ذکر کرده است که استخراج و کاربست این نیازها در رشد و پیشرفت زندگی فردی، اجتماعی و علوم انسانی، تأثیر بسزایی دارد. گاهی محقق خارج از متون دینی، نیازهایی را شناسایی می‌کند و بر قرآن عرضه می‌کند تا ببیند آیا قرآن به این نیازها اشاره کرده است؟ در صورتی که اشاره کرده، روش تأمین این نیازها چیست؟ اما روش درست و صحیح این است که اگر

^۵. «قَدْ وَكَلَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ أَنَا أَغْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ، وَ فِيهِ بَدْءُ الْخَلْقِ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ فِيهِ خَيْرُ السَّمَاءِ وَ خَيْرُ الْأَرْضِ، وَ خَيْرُ الْجَنَّةِ وَ خَيْرُ النَّارِ، وَ خَيْرُ مَا كَانَ وَ خَيْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ، أَغْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظُرُ إِلَى كَفْيٍ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: فِيهِ بَيِّنَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ».

^۶. «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ بَيِّنَاتٍ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولَ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ - إِلَّا وَ قَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ».

قرآن تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر را ذکر کرده است؛ پس ما باید ابتدا به قرآن رجوع کنیم و این نیازها را استخراج کنیم تا بفهمیم قرآن چه نیازهایی را برای هدایت لازم می‌داند؛ نه اینکه نیازهای تصور شده خودمان را از قرآن استخراج کنیم و دنبال پاسخ آن باشیم.

امروزه، بزرگ‌ترین مشکل در علوم انسانی این است که خارج از متون دینی نیازها و روش‌های تأمین آن‌ها را استخراج، سپس به قرآن عرضه می‌کنند تا ببینند آیا قرآن این نیازها را ذکر کرده است و اگر ذکر کرده، چه راهی برای تأمین آن‌ها پیشنهاد می‌کند. درحالی‌که با این روش، علوم انسانی هرگز به اعتلا و پیشرفت لازم هدایتی نخواهد رسید. اگر محققان و پژوهشگران علوم انسانی می‌خواهند در این زمینه توفیقی حاصل کنند، هم باید نیازمندی‌ها و هم روش‌ها و کارکردهای هدایتی را از قرآن استخراج کنند و آن را نقشه راه خود قرار دهند. به عبارت دیگر بیشتر افرادی که نیازمندی‌ها را خارج از متون دینی شناسایی می‌کنند و بعد آن‌ها را به قرآن عرضه می‌کنند، خواسته یا ناخواسته دچار تحمیل‌های بی‌جا و گاهی تفسیر به رأی می‌شوند که نه تنها به شرف این علوم را در بر نخواهد داشت؛ بلکه در طولانی‌مدت تأثیر منفی بر جامعه و هدایت انسان‌ها می‌گذارد.

■ ۲-۴- لزوم کشف و استخراج روش‌های تأمین نیازمندی‌های بشر

پس از کشف و استخراج نیازمندی‌های انسان، در گام دوم باید روش‌هایی که قرآن برای تأمین این نیازها در نظر گرفته است را کشف و استخراج کنیم تا با کاربست آن در تفسیر و علوم انسانی، نقشه راه پیشبرد اهداف بشر و جامعه را تنظیم کرده و اعتلا ببخشیم. به عنوان نمونه یکی از روش‌های تأمین نیازهای علمی در قرآن، رجوع به اهل ذکر است: «...فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» ... اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید (نحل: ۴۳). این آیه یک روش برای تأمین نیازهای علمی انسان ارائه می‌دهد.

■ ۳-۴- لزوم کشف و استخراج پیام‌ها و پندهای هدایت‌آموز قرآن که نیازهای انسان را تأمین می‌کند.

اگر پذیرفتیم که قرآن تمام نیازمندی‌های هدایتی بشر را تأمین کرده است، باید پیام‌های و پندهای هدایتی قرآن را کشف کنیم و آن‌ها را در زندگی به کار ببندیم که هدف اصلی نیز همین کاربست پیام‌ها و پندهای قرآن است.

■ ۴-۴- لزوم کشف و استخراج پیام‌ها و پندهای هدایت‌آموز تکتک آیات قرآن

بی‌شک هر آیه نیز دارای پیام‌هایی است که با استخراج و کاربست آن در زندگی و جامعه می‌توان گام مهمی در رشد و پیشرفت برداشت. به عنوان نمونه در آیه: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم» (اعراف: ۹۶) تفسیر نور پیام‌هایی را برداشت کرده که کاربست آن‌ها در زندگی بسیار راه گشا است:

«ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه تقوا لازم است: «آمَنُوا وَ اتَّقُوا»؛ سرمایه‌گذاری روی فرهنگ و معنویت جامعه، بازده اقتصادی هم دارد:

«آمَنُوا وَ اتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ»؛ وعده‌های الهی را جدی بگیریم. با ایمان و تقوا، نزول برکات حتمی است: (حرف لام در «لَفَتَحْنَا»):

بستن و گشایش، در اختیار خداست، «لَفَتَحْنَا» اما بازتابی از عملکرد ماست؛ ادیان آسمانی، خواستار بهبود وضع اقتصادی مردم‌اند: «لَفَتَحْنَا

عَلَيْهِمْ»؛ آنچه از برکات دریافت می‌کنیم، گوشه‌ای از برکات الهی است. «بَرَكَاتٍ» (کلمه‌ی «برکات» بدون الف و لام است، لذا شامل تمام

برکت‌ها نمی‌شود)؛ زمین و آسمان، سرچشمه‌ی برکات‌اند: «بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»؛ ایمان و تقوا سبب نزول برکات می‌شود، ولی هر

نعمت و رفاهی معلول ایمان و تقوا نیست: (آمَنُوا وَ اتَّقُوا ... بَرَكَاتٍ) و عامل محرومیت‌ها و مشکلات، عملکرد خود ماست: «بِمَا كَانُوا

يَكْسِبُونَ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۲۴).

■ ۴-۵- لزوم تمسک به مفسرین حقیقی قرآن

با توجه به نظریه برگزیده، اصل دیگری که باید مورد توجه قرارداد این است که اگر بخواهیم تمام علوم انسانی و روش‌های مربوط به آن را از قرآن به دست آوریم باید به مفسرین حقیقی قرآن مراجعه کنیم چنانکه در روایت ثقلین نیز، راه عدم گمراهی را تمسک به قرآن و عترت می‌داند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۵۰؛ قمی، ج ۲، ص ۳۴۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۷۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۱۸۶). البته این به این معنی نیست که دست از تلاش برداریم؛ بلکه به معنای ارتباط دائمی میان یک مفسر و مفسران حقیقی قرآن است که بدون مفسران حقیقی امکان فهم همه جزئیات قرآن و علوم انسانی وجود ندارد.

○ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی این پژوهش می‌توان گفت، در قرآن تمام نیازمندی‌های بشر وجود دارد؛ اما از ظواهر و دلالت لفظی، تنها نیازمندی‌های هدایتی بشر و برخی کلیات علوم به دست می‌آید. برخی نیازمندی‌های دیگر علوم انسانی را می‌توان با وضع کلیات، اصول و با استفاده از بطون، جری و تطبیق و سایر روش‌های صحیح تفسیری به دست آورد؛ ولی همه جزئیات علوم انسانی را فقط معصومین Y که مفسران حقیقی قرآن هستند می‌توانند کشف و استخراج کنند. بنابراین با کشف و استخراج برخی قواعد، می‌توان بسیاری از علوم مورد نیاز بشر را از قرآن به دست آورد؛ البته کشف تمامی علوم، نیاز به وصل به منبع اصلی آن یعنی ائمه معصومین Y دارد.

قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، قم: دارالقرآن الکریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۲. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسن (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵)، *کمال‌الدین و اتمام النعمه*، تهران: انتشارات اسلامی، دوم.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم.
۶. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳)، *تفسیر ابی‌السعود* (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة*، تبریز: بنی‌هاشمی، دوم.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.
۹. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت Y، اول.
۱۱. حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۳)، *انسان و قرآن*، قم: الف - لام - میم.
۱۲. حسینی زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی‌هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.
۱۳. حیدری فر، مجید، (۱۳۹۱)، *مهندسی فهم و تفسیر قرآن*، قم: بوستان کتاب.
۱۴. دروزه، محمد عزه، (۱۴۲۱)، *التفسیر الحدیث*، بیروت: دار الغرب الإسلامی، دوم.
۱۵. ذهبی، محمدحسین (بی‌تا)، *التفسیر و المفسرون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. رازی، فخرالدین (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.
۱۷. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴)، *تفسیر المنار*، بیروت: دار المعرفه.
۱۸. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
۱۹. سبزواری، محمد (۱۴۰۶)، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۰. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۳)، *قبض و بسط تنویریک شریعت*، صراط.

۲۱. سیاح، احمد (۱۳۷۵)، فرهنگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد، نشر اسلام.
۲۲. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی، دوم.
۲۳. صدری افشار، غلامحسین، حکمی‌نسرین و نسترن، (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی امروز، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۲۶. طبرسی، علی الفضل ابن الحسین (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان لعلوم القرآن، تهران: ناصرخسرو، سوم.
۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم.
۲۸. طنطاوی بن جوهری (بی‌تا)، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم المسمی تفسیر طنطاوی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، نورالثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چهارم.
۳۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.
۳۲. غزالی، محمد بن محمد (بی‌تا)، احیاء علوم الدین، دار الکتب العربی.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، قم: نشر هجرت، دوم.
۳۴. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵)، الصافی، تهران: انتشارات الصدر، دوم.
۳۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، اول.
۳۶. قطب، سید محمد (۱۴۲۵)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، سی و پنجم.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چهارم.
۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۳۲)، السنن الکبری، دمشق: دارالرساله العلمیه.
۴۲. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷)، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، قم.